

This file has been cleaned of potential threats.

If you confirm that the file is coming from a trusted source, you can send the following SHA-256 hash value to your admin for the original file.

545dfaa9db7c82253525185e2eabda12459ac5b7d06a6524723f9392dda90326

To view the reconstructed contents, please SCROLL DOWN to next page.

جهاد فرهنگی - تعداد فیش : 29 ، تعداد مقاله : 1

پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال 1392/12/29 ۱۳۹۳

در نگاه به سال ۹۲ آنچه به نظر این حقیر مهم‌تر از همه است، دو مسئله است: یک مسئله همین مسئله اقتصاد و دیگری مسئله فرهنگ است. در هر دو عرصه و در هر دو زمینه توقعی که وجود دارد، تلاش مشترکی است میان مسئولان کشور و آحاد مردم. آنچه برای بنای زندگی و سازندگی آینده مورد انتظار است، بدون مشارکت مردم تحقق‌پذیر نیست. بنابراین علاوه بر مدیریتی که مسئولین باید انجام بدهند، حضور مردم در هر دو عرصه لازم و ضروری است؛ هم عرصه اقتصاد، هم عرصه فرهنگ. بدون حضور مردم کار پیش نخواهد رفت و مقصود تحقق پیدا نخواهد کرد. مردم در گروه‌های گوناگون مردمی با اراده و عزم راسخ ملّی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند. مسئولین هم برای اینکه بتوانند کار را به‌درستی پیش ببرند، احتیاج به پشتیبانی مردم دارند. آنها هم بایستی با توکل به خدای متعال و با استمداد از توفیقات و تأییدات الهی و کمک مردمی، مجاهدانه وارد میدان عمل بشوند؛ هم در زمینه اقتصاد و هم در زمینه فرهنگ. من ان‌شاءالله توضیح همه‌ی این موارد را در سخنرانی روز جمعه به عرض ملّت ایران خواهم رساند. لذا به گمان من آنچه در این سال جدید پیش رو داریم، عبارت است از اقتصادی که به کمک مسئولان و مردم شکوفایی پیدا کند، و فرهنگی که با همّت مسئولان و مردم بتواند سمت و سوی حرکت بزرگ کشور ما و ملّت ما را معین کند. لذا من شعار امسال را و نام امسال را این قرار دادم: «اقتصاد و فرهنگ با عزم ملّی و مدیریت جهادی».

بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی 1392/09/19

باید خود اعضا و دستگاه‌های فرهنگی قبول کنند و باور داشته باشند که ما این جایگاه را به‌عنوان یک قرارگاه مرکزی [قرار دادیم]. تعبیر "قرارگاه" ممکن است به بعضی گوشه‌ها سنگین بیاید - قرارگاه یک اصطلاح جنگی است، اصطلاح نظامی است - و بگویند آقا، قرارگاه مال مسائل نظامی است، شما در مسائل فرهنگی هم فکر نظامی را رها نمیکنید! واقع قضیه این است که کارزار فرهنگی از کارزار نظامی اگر مهم‌تر نباشد و اگر خطرناک‌تر نباشد، کمتر نیست؛ این را بدانید؛ یعنی میدانید هم شما، واقعاً یک میدان کارزار است اینجا. و بخصوص در قرارگاه‌های نظامی این‌جوری است؛ قرارگاه مسئولیت اجرای مستقیم به معنای اینکه یک واحدی متعلق او باشد، ندارد؛ اما واحدها در اختیار او قرار میگیرند، به تعبیر نظامی در کنترل عملیاتی او قرار میگیرند. وقتی ما یک قرارگاه نظامی تشکیل میدهم، فرض بفرمایید سپاه میگوید این یگانهای من در کنترل عملیاتی آن تشکیلات [هستند]، پشتیبانی این یگان، متعلق به آن سازمان است - یا ارتش، یا سپاه، یا هر دستگاه دیگر - اما به‌کارگیری این و هدایت این، به عهده‌ی قرارگاه است؛ یعنی یک چنین حالتی را در اینجا بایستی توجّه داشت.

دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی با رهبر انقلاب 1390/03/23

با تحولات عظیم ارتباطاتی که امروز در دنیا بوجود آمده، جنگ فرهنگی به عرصه‌ای با ابعاد مختلف و فراگیر و پیچیده تبدیل شده است.

بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم 1389/07/27

شهر قم شهر علم است، شهر جهاد است، شهر بصیرت است. بصیرت مردم قم یکی از آن نکات بسیار مهمی است که در طول این سی و چند سال همواره خود را نشان داده است. جالب است که پیدایش شهر قم هم ناشی بود از یک حرکت جهادی و توأم با بصیرت. یعنی خاندان اشعریون که آمدند این منطقه را محل سکونت خودشان قرار دادند، در واقع اینجا را پایگاهی کردند برای نشر معارف اهل‌بیت (علیهم‌السلام)؛ یک مجاهدت فرهنگی را در اینجا شروع کردند. اشعریون قبل از آنکه به قم بیایند، جهاد در میدان نبرد هم انجام داده بودند؛ جهاد نظامی هم کرده بودند؛ بزرگ اشعریون در رکاب جناب زیدبن‌علی (علیهما‌السلام) مبارزه کرده بود؛ لذا بود که حاج‌بن‌یوسف بر اینها خشم گرفت و اینها مجبور شدند بیایند و این منطقه را با تلاش خود، با بصیرت خود، با دانش خود، منطقه‌ی علم قرار بدهند. همین هم موجب شد که حضرت فاطمه‌ی معصومه (سلام‌الله علیها) وقتی به این ناحیه رسیدند، اظهار تمایل کردند که به قم بیایند؛ به خاطر بودن همین بزرگان اشعریون. آنها رفتند از حضرت استقبال کردند، حضرت را به این شهر آوردند و این بارگاه نورانی از آن روز و از بعد از وفات این بزرگوار در این شهر نورافشانی میکند. مردم قم که پدید آورنده‌ی این حرکت عظیم فرهنگی بودند، از آن روز پایگاه معارف اهل‌بیت را در این شهر تشکیل دادند و صدها عالم، محدث، مفسر و مبین احکام اسلامی و قرآنی را به شرق و غرب دنیای اسلام فرستادند. از قم، علم به اقصای خراسان و اقصای عراق و شامات رفت. این، بصیرت آن روز مردم قم است؛ که پیدایش قم بر اساس جهاد و بصیرت شد.

بیانات در دیدار فعالان عرصه هنر دفاع مقدس 1388/06/24

تدابیری انتظار نمی‌رفت- این برجستگی‌هایی که در دوره‌ی هشت سال دفاع مقدس به وجود آمد- اتفاق افتاد، با هزینه‌های زیادی هم همراه بود. چقدر جان عزیز فدا شد، چقدر ثروت مال و ثروت وقت مصرف شد. شما امروز آنها را در واقع با کار هنری خودتان بازآفرینی می‌کنید. همان تأثیراتی را که آن حادثه می‌توانست در یک نسل، در یک جامعه باقی بگذارد، شما با این نوشته‌ی خودتان، با این فیلم خودتان، با این کار هنری خودتان که بازآفرینی آن حادثه است، در مخاطب خودتان ایجاد می‌کنید. این خیلی کار بزرگی است، خیلی کار مهمی است؛ شما برای آن تابلوی پرشکوه و پر از ریزه‌کاری و ظرافت و زیبایی آئینه می‌شوید. خود این کار فرهنگی و کار هنری شما که روایت آن جهاد مقدس هست، جهاد است؛ زیرا سعی بر این بوده که آن مفاهیم والا به دست فراموشی سپرده بشود؛ برای این تلاش شده، کار شده. آن عزتی، اعتماد به نفسی، احساس اقتداری که از ناحیه‌ی معنویت رزمندگان ما و جامعه‌ی اسلامی ما احساس شد و توانست آن حادثه‌ی عجیب و شگفت‌انگیز- یعنی پیروزی در دفاع مقدس و شکست نخوردن در مقابل تهاجم این همه دشمن- را رقم بزند، آن خصوصیات، آن خصلتها، برای ملت ما، برای کشور ما، یکی از بزرگترین نیازهاست. این‌ها را بایستی نگه داریم و در مقابله‌ی با تلاشی که می‌شود برای به فراموشی سپردن آنها، مقاومت کنیم. کار شما روایت دفاع مقدس و همین مجاهدت بزرگ است.

بیانات در دیدار میهمانان شرکت کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع) 1386/05/28

باید دانست که رحمت الهی و کمک الهی بستگی دارد به حرکت و تلاش انسان مؤمن؛ به عمل صالح او. باید در میدان باشیم، باید احساس وظیفه را فراموش نکنیم؛ مجاهدت را فراموش نکنیم؛ جهاد در صحنه‌های مختلف، وظیفه‌ی ماست و ضامن پیشرفت و پیروزی ماست. در صحنه‌ی سیاسی هم جهاد هست، در صحنه‌ی فرهنگی هم جهاد هست، در صحنه‌ی تبلیغاتی و ارتباطاتی هم جهاد هست، در صحنه‌های اجتماعی هم جهاد هست. جهاد فقط جهاد نظامی نیست؛ انواع و اقسام عرصه‌های زندگی بشر، عرصه‌ی جهادند.

بیانات در دیدار اعضای بسیج دانشجویی دانشگاه‌ها 1386/02/31

مگر مجموعه‌ی بسیجی- آن هم بسیجی انقلاب و دانشجوی انقلاب- می‌تواند نسبت به مسائل سیاسی کشور بی‌تفاوت یا بدون موضع و بدون نظر باشد؟! مگر چنین چیزی ممکن است؟! من، شما دانشجویهای بسیجی را توصیه می‌کنم به این که محافظه‌کار نشوید و همواره دانشجو و بسیجی- به همان معنای مثبت و پُر خون و پُر تپش- باقی بمانید. البته دنباله‌ی این که می‌گوئیم «محافظه‌کار نشوید» این است که «ولی هوشیار هم باشید». کاملاً هوشیار باشید. شعار می‌دهید: دانشجو بیدار است! بله، همین توقع هست؛ من می‌خواهم به شما عرض بکنم: بیدار باشید. بیداری دانشجو هم فقط بیزاری از آمریکا نیست. آمریکا چیست؟ آمریکا به معنای یک منطقه‌ی جغرافیایی یا یک ملت مطرح است؛ یا نه، به عنوان یک حجم و هویت سیاسی، امنیتی، تشکیلاتی، فرهنگی که به چشم دیده نمی‌شود؟ آن هم تشکیلاتی با پشتوانه‌ی عظیم مالی و تجربه‌ی فراوان در کار تبلیغات و جنگ روانی. بیزاری از این، بیداری مضاعف لازم دارد. مثل بیداری در میدان جنگ نظامی نیست که شما اگر در سنگر بیدار باشید، به مجردی

که دشمن کوچک‌ترین تحرکی نشان داد، او را هدف قرار بدهید. در جنگ فرهنگی، در جنگ سیاسی، در جنگ امنیتی، تحرک دشمن را درست نمی‌توان دید. گاهی اوقات، دشمن کار را به گونه‌ای ترتیب می‌دهد که حرف حقی، از زبان یک نفر صادر بشود! دشمن نازق و باطل است، پس چرا می‌خواهد این حرف حق از زبان آن شخص صادر بشود؟ چون می‌خواهد پازل خودش را کامل کند. این پازل از صد یا دویست قطعه تشکیل شده؛ یک قطعه‌اش هم همین حرف حقی است که آن شخص باید بزند تا این پازل را کامل کند! اینجا این حرف حق را نباید زد. پازل دشمن را کامل نباید کرد. در این حد هوشیاری لازم است! بله، وارد سیاست بشوید و فکر سیاسی کنید؛ اما بسیار هوشیار. دشمن نباید بتواند از هیچ حرکت و اظهار و موضع‌گیری شما استفاده کند. این، اصل اول و یک خط قرمز است.

چطور دشمن را بشناسیم؟ چطور تمایلات او را کشف کنیم؟ چطور بفهمیم که این کار به نفع دشمن یا به ضرر دشمن است؟ این همان نقطه‌ی اساسی است. این همان جایی است که به اهتمام کامل، مطلقاً سهل‌انگاری نکردن و هوشیاری و بیداری کامل احتیاج دارد. اگر هم در جایی برای انسان مطلب روشن نیست، آنجا نباید حرکت کند. اگر دیدید زیر پا محکم است، پا بگذارید؛ اگر دیدید مشکوک است، پا نگذارید. بنابراین محافظه‌کار نباشید، اما هوشیار باشید؛ این، آن خط سیاسی است. البته سخت است و آسان نیست؛ اما شما هم مرد کار سختید؛ بسجی هستید و باید این کار سخت را به عهده بگیرید.

بیانات در دیدار مسئولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی 1385/03/29

اصل چهارم، تقویت خودباوری و اعتماد به نفس ملی است. این اعتماد به نفس، در همه جا است. ما اکنون در زمینه‌ی مثلاً علوم تجربی، نمونه‌هایی‌اش را دیده‌ایم که حالا یکی‌اش فناوری هسته‌ای است، یکی‌اش تولید سلولهای بنیادی است، یکی‌اش کارهای خوبی است که در بخشهای گوناگون انجام داده‌اند و من حالا نمی‌خواهم پیش از موعد آنها را تصریح و بیان کنم، که به نفع پیشرفت دانش بشری هم هست. البته این‌ها فقط یک بخشی از کار است. استقلال اعتماد به نفس ملی و خودباوری، فقط به این چیزها منحصر نمی‌شود که ما می‌توانیم سد درست کنیم؛ می‌توانیم نیروگاه درست کنیم و می‌توانیم بدون کمک خارجی کارهای بزرگ و پروژه‌های عظیم را راه‌اندازی کنیم، بلکه باید در سیاست، فلسفه، ابتکارهای مردمی و ارزشهای اخلاقی هم خودباوری داشته باشیم. ببینید! دیگران یک حرکت ابلهانه‌ی دیوانه‌واری مثل گاوپازی در خیابان‌هایشان راه می‌اندازند، تلفات جانی می‌دهند، خودشان را مسخره می‌کنند؛ اما افتخار هم می‌کنند که این سنت ملی ماست! کار، غلط است؛ اما خودباوری خوب است؛ خجالت نمی‌کشند. حالا فرض بفرمایید اگر ما یک سنت اسلامی داریم که منطقی هم برایش داریم و آن را هم پذیرفته‌ایم، نایبستی در انجام دادن آن خجالت بکشیم. من حالا نمی‌خواهم مثال بزنم؛ اما مواردی هست که مثال زدنش صلاح نیست؛ ممکن است ریز شدن و جزئی شدن در بعضی از مسائل باشد؛ ولی مثالهای فراوانی را می‌توانید پیدا کنید. در ارزشهای اخلاقی: مبارزه‌ی فرهنگی دائم با خودباختگی مزمن و تحمیلی که چند ده سال بر این کشور تحمیل شده. بزرگان و پرچمداران فرهنگ و سیاست در این کشور، در یک مقطع زمانی و با صدای واحد، با وقاحت تمام گفتند که ایرانی صفر محض است! و اگر بخواهد معنا پیدا کند، باید برود کنار فرهنگ فرنگی. اولین پیشروان قافله‌ی روشن‌فکری کشور ما و معروف‌ترین سیاستمداران دوران قاجار و پهلوی، این حرف را صریحاً گفتند، بعضیها هم که نگفتند، این‌طوری عمل کردند و این شد یک بیماری مزمن در جامعه‌ی ما؛ بایستی با این مبارزه کرد.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1382/11/08

دنیا اسلام پس از رخوت و خواب آلودگی درازمدت و خسارت بار خود که سرانجام به سیطره سیاسی و فرهنگی بیگانگان انجامید و منابع مادی و بشری‌اش در خدمت رشد و اقتدار و سلطه دشمنانش قرار گرفت، اکنون خود را بازیافته و به مرور، در برابر غارتگران و حرامیان، جبهه گرفته است. نسیم بیداری اسلامی در همه جای جهان اسلام وزیده و با نهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مد نگاه آنان، افقی روشن و امیدبخش گشوده است.

با افول اندیشه‌های وارداتی و پرجنجال، همچون سوسیالیسم و مارکسیسم و به خصوص با دریده شدن پرده ریا و فریب از روی دموکراسی لیبرال غرب، سیمای عدالتخواه و آزادی‌بخش اسلام، از همیشه آشکارتر گشته و بی‌رقیب، در صدر آرزوهای عدالتخواهان و آزادی‌طلبان و نخبگان و اندیشمندان نشسته است. جوانان و جوانمردان بسیاری در کشورهای مسلمان به نام اسلام و در آرزوی حکومت عدل اسلامی به جهاد سیاسی و فرهنگی و اجتماعی روی آورده‌اند و عزم ایستادگی در برابر تحمیل و سلطه بیگانگان مستکبر را در جوامع خود گسترش می‌دهند.

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی 1380/09/26

بسم الله الرحمن الرحيم

رحلت عالم مجاهد آیت‌الله آقای حاج سید محمد شیرازی رحمه الله علیه را به بیت شامخ و معظم شیرازی و بخصوص به خانواده‌ی محترم و فرزندان مکرم ایشان و نیز به همه‌ی دوستان و ارادتمندان آن مرحوم بخصوص به حضرات کربلائیه‌ی مقیم ایران صمیمانه تسلیت عرض می‌کنم.

آن عالم بزرگوار سالهای متمادی از عمر خویش را در عراق و ایران صرف جهاد فرهنگی و سیاسی برای اعلا کلمه‌ی اسلام و ترویج مکتب اهل بیت علیهم‌السلام نموده و زحمات فراوانی تحمل کردند. تألیفات متعدد ایشان در علوم اسلامی و مبارزه با صهیونیسم و استکبار، متضمن مجموعه‌ی بزرگی از معارف دینی و سیاسی است و سعی مشکور و مجاهدت مقبولی در درگاه خداوند متعال است. ان شاء الله. از خداوند متعال علو درجات و حشر با اجداد طاهربینش را برای آن عالم بزرگوار مسئلت می‌کنم.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران 1380/02/28

بخش مهمی از سوره‌ی بقره و بعضی از سوره‌های دیگر قرآن مربوط به برخورد و مبارزه‌ی فرهنگی پیغمبر با یهود است. چون گفتیم این‌ها فرهنگی بودند؛ آگاهی‌هایی داشتند؛ روی ذهنهای مردم ضعیف الایمان اثر زیاد می‌گذاشتند؛ توطئه می‌کردند؛ مردم را ناامید می‌کردند و به جان هم می‌انداختند. این‌ها دشمن سازمان‌یافته‌ای بودند. پیغمبر تا آنجایی که می‌توانست، با این‌ها مدارا کرد؛ اما بعد که دید این‌ها مدارا برادر نیستند، مجازاتشان کرد. پیغمبر، بیخود و بدون مقدمه هم سراغ این‌ها نرفت؛ هرکدام از این سه قبیله عملی انجام دادند و پیغمبر برطبق آن عمل، آنها را مجازات کرد. اول، بنی قینقاع بودند که به پیغمبر خیانت کردند؛ پیغمبر سراغشان رفت و فرمود باید از آنجا بروید؛ این‌ها را کوچ داد و از آن منطقه بیرون کرد و تمام امکاناتشان برای مسلمانها ماند. دسته‌ی دوم، بنی نضیر بودند. این‌ها هم خیانت کردند- که داستان خیانت‌هایشان مهم است- لذا پیغمبر فرمود مقداری از وسایلتان را بردارید و بروید؛ این‌ها هم مجبور شدند و رفتند. دسته‌ی سوم بنی قریظه بودند که پیغمبر امان و اجازه‌شان داد تا بمانند؛ این‌ها را بیرون نکرد؛ با این‌ها پیمان بست تا در جنگ خندق نگذارند دشمن از طرف محلاتشان وارد مدینه شود؛ اما این‌ها ناجوانمردی کردند و با دشمن پیمان بستند تا در کنار آنها به پیغمبر حمله کنند! یعنی نه فقط به پیمانشان با پیغمبر پایدار نماندند، بلکه در آن حالی که پیغمبر یک قسمت مدینه را- که قابل نفوذ بود- خندق حفر کرده بود و محلات این‌ها در طرف دیگری بود که باید مانع از این می‌شدند که دشمن از آنجا بیاید، این‌ها رفتند با دشمن مذاکره و گفتگو کردند تا دشمن و آنها- مشترکاً- از آنجا وارد مدینه شوند و از پشت به پیغمبر خنجر بزنند! پیغمبر در اثنای توطئه‌ی این‌ها، ماجرا را فهمید. محاصره‌ی مدینه، قریب یک ماه طول کشیده بود؛ در اواسط این یک ماه بود که این‌ها این خیانت را کردند. پیغمبر مطلع شد که این‌ها چنین تصمیمی گرفته‌اند. با یک تدبیر بسیار هوشیارانه، کاری کرد که بین این‌ها و قریش به هم خورد- که ماجرایش را در تاریخ نوشته‌اند- کاری کرد که اطمینان این‌ها و قریش از همدیگر سلب شد. یکی از آن حیل‌های جنگی سیاسی بسیار زیبای پیغمبر همین‌جا بود؛ یعنی این‌ها را علی‌العجاله متوقف کرد تا نتوانند لطمه بزنند. بعد که قریش و همپیمانانشان شکست خوردند و از خندق جدا شدند و به طرف مکه رفتند، پیغمبر به مدینه برگشت. همان روزی که برگشت، نماز ظهر را خواند و فرمود نماز عصر را جلو قلعه‌های بنی قریظه می‌خوانیم؛ راه بیفتیم به آنجا برویم؛ یعنی حتی یک شب هم معطل نکرد؛ رفت و آنها را محاصره کرد. بیست و پنج روز بین این‌ها محاصره و درگیری بود؛ بعد پیغمبر همه‌ی مردان جنگی این‌ها را به قتل رساند؛ چون خیانتشان بزرگتر بود و قابل اصلاح نبودند.

پیغمبر با این‌ها این‌گونه برخورد کرد؛ یعنی دشمنی یهود را- عمدتاً در قضیه بنی قریظه، قبلیش در قضیه بنی نضیر، بعدش در قضیه یهودیان خیبر- این‌گونه با تدبیر و قدرت و پیگیری و همراه با اخلاق والای انسانی از سر مسلمانها رفع کرد. در هیچ‌کدام از این فضاها، پیغمبر نقض عهد نکرد؛ حتی دشمنان اسلام هم این را قبول دارند که پیغمبر در این فضاها هیچ نقض عهدی نکرد؛ آنها بودند که نقض عهد کردند.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر 1379/12/22

من می‌خواهم محیط دانشگاه و جوان دانشجوی خودمان را توچه بدهم که مواظب تئوریهای وارداتی غربی که هیچ هدفی جز حفظ آن روابط تحکّم‌آمیز غرب با کشورهای قبیله‌کشور ما را ندارد، باشند. البته تحت نامهای مختلف، بسیار حرفها زده می‌شود؛ اما هدف یک چیز بیشتر نیست. این انقلاب و این نظام و این حرکت عظیم مردمی آمده و این سلطه و اتوریتهی تحکّم‌آمیز غربی را در این کشور شکسته است. امروز در کشور ما ارزشهای غربی به صورت قانونی و رایج وجود ندارد. امروز دادن منافع کشور به بیگانگان، در کشور ما یک امر مذموم محسوب می‌شود. امروز سفره‌ای را که با هزاران طمع در این کشور پهن کرده بودند بخصوص آمریکاییها جمع شده می‌بینند. این برای مراکز قدرت و تسلط جهانی، خسارت کمی نیست. برای برگرداندن اوضاع به صورت قبلی چه کار کنند؟ اوایل انقلاب ناشیانه آمدند و جنگ روبه‌رو راه انداختند؛ ولی وقتی بینشان به خاک مالیده شد، فهمیدند راهش این نیست. لذا به جنگ فرهنگی متوسّل شدند. جنگ فرهنگی کار آسانی نیست؛ کار زبندگان است. لذا زبندگان می‌نشینند فکر می‌کنند و نسخه می‌نویسند و متأسفانه عده‌ای هم در داخل همانها را رله می‌کنند! آنها حرفهایی را می‌زنند، عده‌ای هم فارسی آن را می‌گویند و شکل بومی به آن حرفها می‌دهند! باید مراقب اینها بود.

پیام به کنگره‌ی عظیم حج 1379/12/12

دشمن مستکبر که بیداری امت اسلامی، تهدیدکنندهی مطامع و منافع نامشروع اوست، مهم‌ترین سلاحی که در برابر این موج فرابنده در دست دارد، سلاح روانی است؛ نوین‌سازی، تحقیر هويت، به رخ کشیدن قدرت و تمكّن مادی خویش. امروز و در آینده هزاران ابزار تبلیغی به کار افتاده و خواهد افتاد که مسلمانان را از آیندهی درخشان نویند و یا به آینده‌ای که منطبق با نیّات پلید خود آنان است ترغیب کنند. این جنگ فرهنگی و روانی از آغاز دوران استعمار تاکنون، کاری‌ترین ابزار غرب در سلطه‌گری‌اش بر کشورهای اسلامی بوده است. آماج این تیر زهرآلود، نخست نخبگان و روشن‌فکران و سپس توده‌ی مردمانند. مبارزه با این ترفند جز با روی‌گردانی از فرهنگ تحکّم‌آمیز و تحمیلی غرب ممکن نیست. فرهنگ غربی باید به‌وسیله‌ی نخبگان و روشن‌فکران، پالایش شود. عناصر مفید آن جذب، و اجزاء زیانبار و مخرب و فسادانگیز آن از ذهن و عمل جامعه‌های اسلامی طرد شود. معیار در این پالایش بزرگ، حکمیّت فرهنگ اسلامی و اندیشه‌های بارور و راهگشا و هدایت‌گر قرآن و سنت است. این یک‌فصل اساسی از مبارزه‌ی همه‌جانبه و خوش عاقبتی است که علمای دینی و روشن‌فکران و نخبگان سیاسی در سراسر جهان اسلام بر عهده دارند. به امید آنکه حج امسال بتواند عزم همگان را در پیمودن این راه پربرکت و پرافتخار، راسخ و جازم کند.

بیانات در دیدار جمعی از پرسنل نیروی هوایی ارتش 1379/11/19

بعضی کسان ترویج می‌کنند که ما دشمن خارجی نداریم! انسان از غفلت بعضی افراد تعجّب می‌کند. من به شما عرض کنم، این انقلاب و این کشور و این حرکت عظیم، بزرگترین ضربه را بر منافع چپاولگران و غارتگران بین‌المللی وارد کرده است. اگر این حرف حقیقت دارد که انقلاب اسلامی و نظام اسلامی جلو منافع غارتگرانه‌ی بیگانگان را در این کشور گرفته است که حقیقت دارد و راست است دیگر کدام توضیحی برای اثبات وجود دشمن لازم است؟! معلوم است که دشمن کیست و چه کسی با این نظام مخالف است.

اکثر رسانه‌های دنیا در دست همان غارتگران است. رادیوها و تلویزیونها و مطبوعات و سازمانهای خبررسانی متعلق به آنهاست. غالباً در بیشتر نقاط عالم، جنگ فرهنگی و سیاسی عظیمی را علیه جمهوری اسلامی شروع کرده‌اند؛ که دنبال این جنگ فرهنگی، جنگ سیاسی همراه با مودی‌گریهای اقتصادی و فشارهای گوناگون است. اگر کسی این دشمن با این وضوح را نبیند، آیا چنانچه بدخواه نباشد، غافل نیست؟!

پیام به مناسبت برگزاری مراسم معنوی میهمانی لاله‌ها 1378/11/14

هیچ ملتی و کشوری بدون مجاهدت بهترین فرزندانش نتوانسته است از شرّ سلطه‌ی بیگانگان که زشت‌ترین حقّت و خوارگی برای یک ملت است، خود را نجات دهد. امروز هم مجاهدت جوانان و برگزیدگان در میدانهای دیگر لازم است؛ در میدان علم و معرفت، در عرصه‌ی تلاش برای خودسازی معنوی و اخلاقی در صحنه‌ی مجاهدت فرهنگی، در رساندن پیام نجات‌بخش انقلاب به دل‌های مشتاق، در ایجاد امید و مبارزه با دیو یأس، در مبارزه با تبلیغات دشمنان مستکبر، در استوار کردن وحدت ملی و نزدیک کردن دل‌ها به یکدیگر.

پیام به پنجمین گردهمایی بسیج دانشجویی 1377/07/14

دانشجوی بسیجی، پیکار فرهنگی و فکری و عقلانی را نیز مانند حضور در میدانهای جنگ، با تکیه بر هوشمندی و تلاش و توکل به پیش می‌برد و خود را در همه حال، سرباز اسلام و انقلاب و فرزند خمینی کبیر می‌شمرد. بسیج دانشجویی در عین آنکه یک تشکل نظم‌یافته و برخوردار از سازماندهی است، نه در جناحهای سیاسی، هضم و حل می‌شود و نه خود را رقیب سازمانهای دانشجویی متعارف می‌شمرد. هر دانشجویی با هر سلیقه‌ی سیاسی، اگر پایبند به ارزشهای انقلاب و آماده‌ی حضور در عرصه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی و سیاسی با استکبار و ایادی آشکار و نقابدار آن است، می‌تواند در خیل بسیجیان دانشگاه و عضو از بسیج دانشجویی باشد.

بیانات در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران 1377/02/22

بلاشک جمود و تحجّر هرچا باشد، یک مشکل است و راه از بین بردنش هم این است که شما که دانشجویان هرچه می‌توانید به کیفیت فکری خودتان در زمینه‌ی دانش و معرفت بیفزایید. هریک نفر از شما، وقتی که اهل دانش، فرهنگ، فرزاندگی، روشن‌فکری و فرهیختگی است، می‌تواند این مفاهیم را در عمل گسترش دهد؛ یعنی درست نقطه‌ی مقابل جوّ جمود و تحجّر. اگر بخواهیم با جمود بجنگیم، جنگ با جمود این‌گونه است؛ یعنی جنگ فرهنگی است. جنگ با جمود، جنگ شمشیری نیست؛ چون از مقوله‌ی فرهنگ است. تحجّر و جمود هم نوعی فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روشهای فرهنگی با آن مقابله کرد. به نظر من، دانشجویان می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند.

بیانات در خطبه‌های نماز جمعه 1376/10/12

استکبار بر روی تبلیغات، خیلی حساب می‌کند و البته این غلط هم نیست! به یک معنا دستگاه استکبار، اشتباه هم نمی‌کند که بر روی تبلیغات حساب می‌کند. هم در زمینه‌های سیاسی، که ما وقتی در زمینه‌ی سیاسی بحث می‌کنیم، جنبه‌ی مقابل را تعبیر به «استکبار» می‌کنیم که این نام‌گذاری دلیلی دارد و هم وقتی در جنبه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی بحث می‌کنیم، جنبه‌ی مقابل را «فرهنگ غربی» یا «فرهنگ تهاجم» می‌گوییم که این نام‌گذاری هم باز دلایل خودش را دارد فعلاً بحث من بر سر مواجهه‌ی استکبار با نظام جمهوری اسلامی است.

در واقع استکبار، تبلیغات را میداندار مبارزه علیه خط و ربط و جهت‌گیری ملت مسلمان کرده است. نه اینکه بخواهیم بگوییم از حالا، بلکه از همان ماههای اوّل پیروزی انقلاب، این کار شد. منتها در واقع، اقبال با استکبار نبود؛ کماینکه امروز هم در این جهت، اقبال با استکبار نیست! آنها که روی تبلیغات حساب می‌کنند، از این باب است که اثر تبلیغات را در دنیا دیده‌اند. فرض بفرمایید که تبلیغات در این قضایای تبدیل و امحای نظامهای مارکسیستی در اروپای شرقی، نقش خیلی عجیبی داشت. ما بخصوص بعضی از این قضایا را با دقّت دنبال می‌کردیم و اثر تبلیغات را لحظه به لحظه می‌دیدیم.

بیانات در مراسم افتتاحیه‌ی مانور فرهنگی - ورزشی جانبازان و معلولان 1376/06/15

اگر ملتی از ایمان برخوردار بود و بااراده بار آمد و قدرت تصمیم‌گیری به او تعلیم داده شد، در همه‌ی میدانها در میدان سیاست، در میدان مبارزات فرهنگی و مبارزات نظامی

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

یکی از نکات برجسته در فرهنگ اسلامی، که مصداقهای بارزش، بیشتر در تاریخ صدر اسلام و کمتر در طول زمان دیده می‌شود، «فرهنگ رزمندگی و جهاد» است. جهاد هم فقط به معنای حضور در میدان جنگ نیست؛ زیرا هرگونه تلاش در مقابله با دشمن، می‌تواند جهاد تلقی شود. البته بعضی ممکن است کاری انجام دهند و زحمت هم بکشند و از آن، تعبیر به جهاد کنند. اما این تعبیر، درست نیست. چون یک شرط جهاد، این است که در مقابله با دشمن باشد. این مقابله، یک‌وقت در میدان جنگ مسلحانه است که «جهاد رزمی» نام دارد؛ یک‌وقت در میدان سیاست است که «جهاد سیاسی» نامیده می‌شود؛ یک‌وقت هم در میدان مسائل فرهنگی است که به «جهاد فرهنگی» تعبیر می‌شود و یک‌وقت در میدان سازندگی است که به آن «جهاد سازندگی» اطلاق می‌گردد. البته جهاد، با عنوانهای دیگر و در میدانهای دیگر هم هست. پس، شرط اول جهاد این است که در آن، تلاش و کوشش باشد و شرط دومش اینکه، در مقابل دشمن صورت گیرد.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

اگر دشمن با امواج خبری وارد کشور ما شود؛ با رادیوهایش وارد کشور ما شود و حرفهایش را وارد کشور ما کند و در ذهن ملت این‌طور وارد کند که «مبارزه خوب نیست؛ دفاع از اسلام فایده‌ای ندارد؛ ایستادگی در مقابل دشمن ثمری ندارد؛ هرچه زحمت بکشید و مبارزه کنید، ضرر کرده‌اید» آیا باز هم در مملکت ایران، مبارزه‌ای علیه دشمنان اسلام باقی خواهد بود؟! معلوم است که نه! خیلی از مسلمانان در دنیا هستند که با امریکا و دشمنان اسلام مبارزه نمی‌کنند. خیلی ملتها هستند که قرآن هم می‌خوانند، نماز هم می‌خوانند، عبادت هم می‌کنند، اما با دشمن اسلام مبارزه نمی‌کنند که هیچ، با آنها دوستی هم می‌کنند! اگر دشمن بتواند ملت ما را به ملتی که اعتقادی به مبارزه ندارد، امیدی به پیروزی ندارد، زهدی نسبت به جلوه‌های شهوانی و مادی ندارد، تبدیل کند، پیروز شده است. اینجاست که مبارزه‌ی فرهنگی، مبارزه‌ای واجب‌تر از واجب می‌شود.

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

سومی که از همه سخت‌تر است، «استقلال فرهنگی» است. این، بسیار سخت است و بسیار خون دل دارد. مبارزه برای استقلال فرهنگی، از همه انواع استقلالها سخت‌تر است. من یک وقت گفتم دشمنان «شیخون فرهنگی» می‌زنند. این ادعا راست است و خدا می‌داند که راست است. بعضی نمی‌فهمند؛ یعنی صحنه را نمی‌بینند. کسی که صحنه را می‌بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می‌کند و می‌فهمد که شیخون است، و چه شیخونی هم هست!

بیانات در دیدار جمعی از کارگران و معلمان 1372/02/15

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد. آن آقایی که خودش - به حسب آنچه که ما می‌بینیم - خسرالدنیا و الآخره است، بر می‌دارد می‌نویسد که «ملت ایران خسر الدنیا و الآخره شده‌اند»! می‌نویسند، و چاپ هم می‌کنند که «مسلمانهای عالم و از جمله ملت ایران، خسر الدنیا و الآخره شدند». چرا؟ چون با امریکا جنگیدند؛ مقصودش این است! این، خسر الدنیا و الآخره بودن است؟! ملت ایران که توانست خود را از ذلت و وابستگی نجات دهد؛ توانست خود را از ذلت و ننگ ارتباط و اتصال با رژیم منحوس دست نشانده فاسد پهلوی و ارتباط با امریکا نجات دهد و این‌طور شجاعت و شهامت و سربلندی در دنیا از خود به نمایش بگذارد و در جاده آزادی گام نهد، خسر الدنیا و الآخره است؟! این جوانان ما، این خانواده‌های مؤمن ما، این زن و مرد دلباخته دین و عاشق راه خدا، خسر الدنیا و الآخره‌اند؟! خودشان خسر الدنیا و الآخره‌اند! کسی که این را می‌گوید، حقیقتاً خسر الدنیا و الآخره است. نه دنیا دارند، نه آخرت. دنیاشان، دنیای نکت؛ آخرتشان هم بلاشک، قهر و عذاب الهی است. نسبت به مردم این حرفها را می‌زنند و پخش هم می‌کنند. برای چه پخش می‌کنند؟ برای این‌که مردم رام‌ترزلز کنند؛ برای این‌که ایمان مردم را عوض کنند. این، کار کیست؟ کار همان دشمنی که استقلال اقتصادی به ضرر اوست، استقلال سیاسی به ضرر اوست؛ استقلال فرهنگی به ضرر اوست.

اینها عوامل دشمنند. این، تهاجم فرهنگی است. این، مبارزه با ملت ایران است، که دشمنان انجام می‌دهند. مخصوص ما هم نیست؛ اینها با اسلام بدند و با اسلام دشمنی می‌کنند.

حال وظیفه ما چیست؟ من می‌گویم وظیفه معلّم و فرهنگی و دانش‌آموز - که اینها در مرکز دایره قرار دارند - و همچنین همه کسانی که با امور فرهنگی کشور سر و کار دارند، یک جهاد و مبارزه طولانی است.

بیانات در دیدار انجمنی جمع‌های سراسر کشور 1370/06/25

اینکه ما مکرر گفته‌ایم و می‌گوییم که توطئه فرهنگی در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است؛ شعار نمی‌دهم؛ من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه‌ی بسیار زیرکانه‌ی در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه‌ی تمام عیار فرهنگی علیه ماست. این همان مقدمه‌ای است که می‌خواستیم عرض بکنم.

مطلب این است که حالا ما برای این جنگ فرهنگی چه کار باید کنیم؟ عادت بر این جاری است که اگر یک مشکل فرهنگی در کشور دیده یا شنیده بشود که چنین مشکلی هم وجود دارد همه‌ی روها را به طرف دولت برگردانیم و بگوییم که دولت! شما چرا تلاش و فعالیت نمی‌کنی؟! مثال واضحش هم بدحجابی، یا در بعضی از شهرها و نقاط دور افتاده، رواج این ساز و دهل‌های قدیمی و این چیزهایی است که گاهی آقایان برای ما می‌نویسند، یا گزارش می‌آید و ما مطلع می‌شویم که بعضی آقایان گله‌مند و ناراحتند. البته این‌ها ظواهر بدی است شکی نیست اما مسأله‌ی توطئه‌ی فرهنگی این‌ها نیست؛ این‌ها ظواهری کوچکی است و نسبت به آن توطئه، مسأله‌ی خیلی کماهمیتی است. امروز از لحاظ وضع حجاب و وضعیت زنان کشور، فاصله‌ی ما با قبل از انقلاب، خیلی ژرف و عمیق است. کمتر قسمتی است که ما نسبت به قبل از انقلاب، این‌قدر فاصله پیدا کرده باشیم. شما ببینید در کدامیک از بخشهای مختلف جامعه چه بخشهای مربوط به مذهب و دین، چه بخشهای مربوط به مسائل علمی، چه بخشهای مربوط به سیاست و اقتصاد و غیره این همه فاصله بین وضع موجود و وضع آن روز وجود دارد، که در حال حاضر ما میان زن امروز و زن زمان حکومت ستم‌شاهی مشاهده می‌کنیم؟ آن روز، چیزی از زن باقی نمانده بود. آن روز، نگذاشته بودند که چیزی به نام حرمت و حجاب و حفاظ و قداست و طهارت زن باقی بماند؛ بخصوص در شهرهای بزرگ، وضعیت امروز، قابل مقایسه با آن روز نیست. البته شکی نیست که باید از این بهتر بشود؛ اما آنچه که امروز هست، قابل مقایسه با آن روزگار نیست. این، آن چیزی نیست که ما باید به عنوان ضایعه‌ی فرهنگی و پوسیدگی جامعه‌ی خودمان و به عنوان خطر و حمله‌ی دشمن به آن توجه بکنیم؛ چیز دیگری است که در مواردی، این هم یکی از گوشه‌ها و یکی از مظاهر آن است.

الآن، یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هرکس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خیرها را بفهمد، احاطه‌ی ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلّم خواهد شد که الآن دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد. کم هم نیستند قلم‌به‌مزه‌ها و فرهنگی‌های دین و دل و وجدان باخته و نشسته‌ی پای بساط فساد استکبار چه غالباً و اکثراً در خارج کشور و چه تک‌توکی در داخل کشور که برای مقاصد استکباری، قلم هم بردارند، شعر هم بگویند، کار هم بکنند و دارند می‌کنند.

نبرد فرهنگی را با مقابله‌ی به مثل می‌شود پاسخ داد. کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد. تفنگ او، قلم است. این را می‌گوییم، تا مسئولان فرهنگ کشور و کارگزاران امور فرهنگی در هر سطحی و شما فرهنگیان عزیز اعم از معلم و دانشجو و روحانی و طلبه و مدرّسان، تا دانش‌آموزان و تا کسانی که در بیرون این نظام آموزشی کشور مشغول کارند احساس کنید که امروز، سرباز این قضیه شما هستید و بدانید که چگونه دفاع خواهید کرد و چه کاری انجام خواهید داد.

مثل جنگ نظامی، چشمها را باید باز کرد و صحنه را شناخت. در جنگ نظامی هم، هر طرفی که بدون شناسایی و دیده‌بانی و بدون دانستن وضعیت دشمن، چشمش را ببندد، سرش را پایین بیندازد و جلو برود، شکست خواهد خورد. در جنگ فرهنگی هم، همین‌طور است. اگر ندانید که دشمن کار می‌کند، یا از آنکه می‌داند، فرمان نبرید، از فرماندهی فرهنگی دستور نگیرید، یا او از نیروی شما استفاده نکند و مانور و سازماندهی را درست انجام ندهد، پشت سرش شکست است. رادیو، تلویزیون، مدارس، وزارت ارشاد، روزنامه‌ها، مجلات و کلاً مجموعه‌ی بنای فرهنگی کشور، مسئولیت دارند. شما معلمان، مشخص است که سنگرتان کجاست. مسئولیتتان هم، مسئولیت بسیار بزرگی است.

بیانات در دیدار شعرای سازمان تبلیغات اسلامی 1369/01/31

یک‌وقت شاید به بعضی از آقایان این قضیه را دوستانه گفته باشم که در سالهای اول انقلاب که شور و هیجان و جوشش عجیبی وجود داشت، با یکی از این شعرای سابق صحبت می‌کردم. او حقاً آدم بی‌ارزشی بود و ثابت کرد که از لحاظ ارزشهای انسانی و اجتماعی و معنوی و تاریخی، واقعاً بی‌ارزش است. افرادی همچون او، نه پس از پیروزی انقلاب، که در دوران مبارزات مردم هم نشان دادند که خیلی سبک و کم‌وزن هستند؛ هرچند طبع شعرشان بعضاً خوب بود. من به او گفتم: الآن واقعاً انتظار مردم و انقلاب و کشور از شما، این است. او به من گفت: ما فکر می‌کنیم که شاعر بایستی بر سلطه باشد، نه با سلطه! این، معیاری شده بود که باید بر سلطه بود، نه با سلطه. یعنی اگر پیامبر (ص) یا امیر المؤمنین (ع) هم در رأس کار بودند، آدم باید به آنها بد بگوید؛ چون باید بر سلطه بود، نه با سلطه! خود این معیار، نشان‌دهنده‌ی بیماری و عدم سلامت شخص است. من به او گفتم: اشکالی ندارد، شما بر سلطه باش. امروز ملت ایران، مجموعه‌ی مستضعفی هستند که با سلطه‌های ظالم جهانی دارند می‌جنگند. سالها به ما زور گفتند، قرن‌ها به ما ستم کردند. بعد از قرن‌ها، این ملت سری بلند کرده‌اند و با فداکاری و با خطر کردن، راهی را انتخاب کرده‌اند و دارند می‌روند؛ اما نمی‌گذارند، اذیت می‌کنند، روی مردم فشار وارد می‌آورند، واقعاً نامردمی می‌کنند و قوانین انسانی را زیر پا می‌گذارند. به او گفتم: این سلطه است؛ با این سلطه بجنگ. البته معلوم بود که آماده نیستند و نمی‌خواهند چنین کاری را بکنند؛ به خاطر اینکه هیچ‌وقت با مردم همدلی نداشتند. این آقایانی که در آن دوران اختناق، داعیه‌ی مبارزه‌ی فرهنگی داشتند، غالباً اهل مبارزه نبودند. ادعایشان یک دروغ و یک فریب بود، وسایل فریب هم آن روز در اینجا فراهم بود، بعد هم همین‌طور ادامه پیدا کرد.

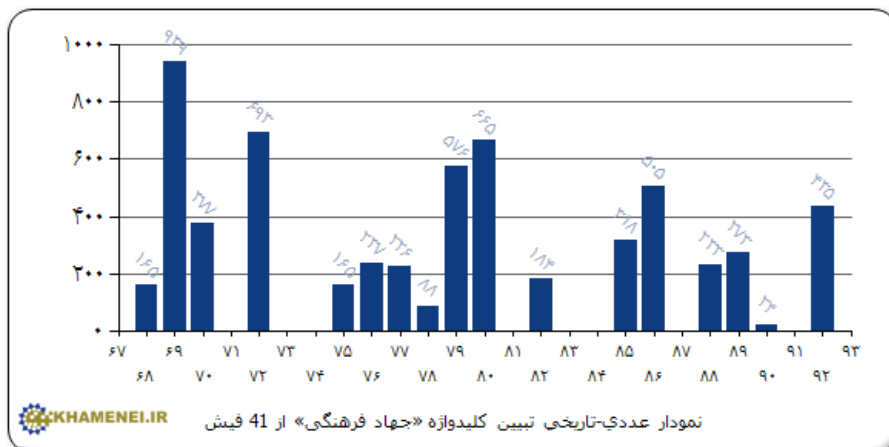
بیانات در دیدار اعضای حزب وحدت اسلامی افغانستان 1369/01/22

اگر بخواهید جهاد کنید، وحدت می‌خواهید. منظور ما از وحدت، هماهنگی و یکنوایی و هم‌صدایی است، تا برادران دیگر در مقابل هم قرار نگیرند و لوله‌های تفنگ، از دشمن به دوست منصرف نشود. اگر این شاء الله این هماهنگی باشد، خدا هم کمک خواهد کرد. «من كان لله كان الله له». این را صادق مصدّق گفته است و ما نمی‌توانیم در آن شکی داشته باشیم. برای خدا باشیم، تا خدا هم برای ما باشد. «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا». این حرفها، معلوم و واضح است و مطالبی بوده که همیشه ماها می‌گفتیم؛ حالا در عمل باید تجربه بکنیم و به آن عمل نماییم. گفتن، دیگر کافی است.

علی‌اکن حال، ما دعا می‌کنیم و امیدواریم که خداوند شما را تأیید کند. بدون جهاد، هیچ دشمنی از صحنه عقب‌نشینی نخواهد کرد، و جهاد هم جز با اتحاد و وحدت و هماهنگی، امکان‌پذیر نیست. جهاد، عبارت از جهاد نظامی، جهاد سیاسی و جهاد فرهنگی است. این هر سه، جهاد است. هیچ‌کدام را شما مغفولّ عنه نگذارید. مبدا کسانی که در جبهه هستند و به جهاد نظامی مشغولند، کار سیاسی و تعارف بین‌المللی را دست کم بگیرند. سرتان کلاه خواهد رفت؛ این را بدانید. اگر این را دست کم بگیرید و نادیده بینگارید، مطمئناً ضرر خواهید کرد. فعالیت سیاسی، به تنهایی و بدون پشتوانه‌ی نظامی، هیچ کاری از آن بر نخواهد آمد. اگر کار نظامی نباشد، بهترین کار سیاسی هم به نتیجه‌ی نخواهد رسید. کار نظامی باید پشتوانه باشد؛ البته برای کسانی که اهل حقند. کسانی که اهل باطل و سازشند، اصلاً به کار جهادی احتیاج ندارند. بروند سازش کنند و مشکلاتشان را اگر حل شد حل کنند. کسانی که اهل حقند، این‌طور نیستند. بدون کار جهادی، کار سیاسی و تحرک، هیچ فایده‌ی ندارد. کار سیاسی، باید پشتوانه‌ی جهاد نظامی داشته باشد و هر دوی این‌ها، بدون کار فرهنگی بی‌ثمر خواهد بود. کار فرهنگی، مردم را با شما نکه خواهد داشت. اکثران یا جمع کثیری از شما، بحمد الله عالم، فاضل، درس‌خوانده، زحمت‌کشیده و وارد به مفاهیم اسلامی و قرآنی هستید. کار فرهنگی را این شاء الله دنبال کنید.

پیام به کنگره عظیم حج 1368/04/14

مبارزه‌ی قدرتهای استکباری با اسلام، به آنچه نسبت به ایران و مردم آن و نظام جمهوری اسلامی اعمال شد، منحصر نماند؛ بلکه دشمنی با اسلام در دایره‌های وسیع‌تر، هم با روشهای سیاسی و تبلیغاتی، و هم با روشهای فرهنگی با جدیت دنبال شد. فشار و سخت‌گیری بر مبارزان و آزادی‌خواهان و علما و روشن‌فکران مسلمان در کشورهای اسلامی از سوی رژیمهای وابسته به امریکا، و نیز سخت‌گیری نسبت به اقلیت‌های مسلمان در کشورهای غیر اسلامی، نمونه‌های بارز مبارزه‌ی سیاسی با اسلام، و نوشتن مقالات و کتب و تهیه‌ی فیلمهای اهانت‌آمیز نسبت به اسلام و نشر آن در محیطهای اسلامی و غیر اسلامی، نمونه‌های مبارزه‌ی فرهنگی با اسلام است. اکنون دولتهای استکباری مانند امریکا و انگلیس و امثال آنان، پولهای گزافی را در راه این خصومت‌های جنایت‌آمیز خرج می‌کنند و متأسفانه هستند نویسندگان و هنرمندانی که برای منفعت مادّی، قلم و بیان و هنر خود را در معرض معامله گذارده و با سرکوب وجدان هنری و ادبی خود، در خدمت مقاصد شوم صاحبان قدرت قرار می‌گیرند.



راهبردهای جهاد فرهنگی در تقابل با ناتوی فرهنگی نویسنده : مصطفی آخوندی